

تعریف مختار:

ما می‌گوییم:

- (۱) تعریف سوم، بیان یک اصطلاح جدید درباره توصلی و تعبدی است و ارتباطی با بحث ما ندارد.
- (۲) اما تعریف اول متأخرین از این بحث با مشکل مواجه است که ملاک در تعبدی‌ها آن دانسته شده است که: تأمین غرض امر جز با قصد قربت حاصل نمی‌شود در حالیکه ممکن است گاهی ما قصد قربت هم بکنیم ولی نتوانیم تأمین غرض امر را احراز کنیم. و لذا از این جهت تعریف دوم بهتر است.
- (۳) اما تعریف دوم با این مشکله مواجه است که «سقوط ذمه» در مستحبات معنی ندارد و لذا تعریف صرفاً مربوط به واجبات می‌شود.

- (۴) پس بهتر است در تعریف «اوامر تعبدی و توصلی» و «واجبات و مستحبات تعبدی و توصلی» چنین بگوییم:
- اوامر تعبدی آن دسته از اوامر هستند که امتثال آنها، وابسته به قصد قربت است در مقابل اوامر توصلی که امتثال آنها، وابسته به قصد قربت نیست. (در این تعریف، از عنوان امتثال استفاده شده و نه اشتغال ذمه که مخصوص واجبات است و روشن است که امتثال در اوامر استحبابی هم راه دارد).
- و لذا:

واجبات و مستحبات تعبدی آنها هستند که امتثال دلیلی که آنها را ثابت کرده، وابسته به قصد قربت است در مقابل واجبات و مستحبات توصلی که امتثال دلیل آنها، وابسته به قصد قربت نیست.

(در این تعریف عنوان امر را به عنوان «دلیل» تغییر دادیم چراکه ممکن است واجبات و مستحبات خاص از دلیلی غیر از امر شرعی (مثل حکم عقل یا بنای عقل و ...) استفاده کنیم.

مقدمه دوم) ملاک ثواب در اعمال چیست؟

پس از آنکه تعریف تعبدی و توصلی را شناختیم و گفتیم ملاک تعبدی و توصلی بودن بود و نبودن قصد قربت است، لازم است قبل از بررسی ماهیت قصد قربت، اشاره‌ای به ملاک ثواب کنیم. توجه شود که ثواب حتی در اعمال توصلی هم تصویر دارد.

توجه شود که ثواب حتی در اعمال توصلی هم تصویر دارد.

مرحوم اصفهانی برای تشریح ملاک ثواب می‌نویسد:

«أن استحقاق المدح و الثواب علی شیء عقلاً لا یكون إلا باستجماعه لأمرین أحدهما: انطباق عنوان حسن بالذات

أو ما ینتهی إلی ما هو کذلک علیه.



ثانیهما: إضافته إلى من يستحق من قبله المدح و الثواب بالذات أو بالعرض، و لو فقد أحد الأمرین لم يستحق المدح و الثواب.

و الوجه فی اعتبار الأول أنّ مجرد المشی إلى السوق مثلا لا یمدح علیه عند العقلاء ما لم ینطبق علیه عنوان یوجبه ذاتاً و مجرد کون الداعی أمر المولی لا یوجبه ذاتاً إذ الداعی المذكور إن لم یوجب تغییر عنوان الفعل لم یکن موجباً لتأثيره فی المدح ذاتاً و إن أوجب ما لا یوجبه ذاتاً بل بالعرض و جب انتهاؤه إلى ما یوجبه ذاتاً للزوم انتهاء کل ما بالعرض إلى ما بالذات و إلا لزم التسلسل، و العنوان الحسن المنطبق علی المأتمی به بداعی الأمر عنوان الانقیاد و التمکین الذی هو عدل و إحسان.

و الوجه فی اعتبار الثانی أنّ الفعل إذا لم یرتبط بمن يستحق من قبله المدح و الثواب کان نسبتته إليه و إلى غیره علی حد سواء و ارتباطه إلى المولی إمّا بالذات أو بالعرض المنتهی إلى ما بالذات فمثل تعظیم المولی یضاف إليه بنفسه و لو لم یکن أمر و إرادة، و أمّا مثل تعظیم زید الأجنبي عن المولی فهو غیر مضاف بطبعه إلى المولی و لا بدّ فی إضافته إليه من أن یكون بداعی أمره و إرادته، فهذا الداعی من روابط الفعل إلى المولی و یدخل تحت عنوان مضاف إليه بذاته کعنوان الانقیاد و الإحسان.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. اگر عملی بخواهد عقلاً مستحق ثواب و مدح شود، باید دو حقیقت داشته باشد.
۲. نخست آنکه حسن ذاتی داشته باشد (یا به حسن ذاتی منتهی شود)
۳. این عمل را بتوانیم به کسی که قرار است ثواب بدهد، مربوط کنیم (به خاطر او انجام دهیم)
۴. اگر عملی یکی از دو حقیقت را نداشته باشد، مستحق ثواب نیست.
۵. صفت اول معتبر است چراکه: صرف رفتن به بازار تا وقتی که عنوانی که «حسن» دارد بر آن بار نشود، باعث استحقاق مدح نمی شود و صرف اینکه بگوییم رفتیم چون مولا گفت، موجب حسن ذاتی نمی شود بلکه استحقاق ثواب در جایی است که یا این عمل بالذات حسن داشته باشد (مثل عدالت) و یا منتهی به یک حسن ذاتی شود (مثلاً از باب اطاعت است و اطاعت مولا، شکر منعم است و این عدالت است)
۶. صفت دوم معتبر است چراکه: حسن ذاتی عمل اگر مربوط به کسی که قرار است ثواب بدهد نباشد، هیچ ربطی به او ندارد. پس یا باید بالذات مربوط به او باشد (تعظیم در مقابل او) و یا بالعرض به او منتهی شود (تنظیم در مقابل آنکه او گفته است)

۱. نهاية الدراية، ج ۱ ص ۳۲۰



ما می‌گوییم :

مرحوم اصفهانی می‌فرماید: وقتی یک عمل بخواهد مستحق ثواب شود اولاً باید عنوانی که حسن ذاتی دارد بر آن صدق کند (مصدق یک حسن ذاتی شود) و ثانیاً باید این مربوط به پاداش دهنده باشد. ایشان سپس می‌گوید: اگر قصد انجام دهنده «امتثال امر مولا» باشد همین قصد باعث می‌شود که عمل هم حسن ذاتی پیدا کند (شکر منعم و احسان نسبت به آمر) و هم به آمر ارتباط بیاید.

